

روش تربیتی تدریس شهید مطهری

روش تربیتی تدریس شهید مطهری

هر استادی در تدریس خویش، دست کم باید از دو ویژگی مهم برخوردار باشد:

1- ویژگی عملی .

2- ویژگی اخلاقی.

ویژگی های «علمی» و «اخلاقی» هر استادی لازم و ملزوم یکدیگرند و هر یک بدون دیگری عقیم است و البته برخورداری توأمان از این دو ویژگی نیز بس دشوار است.



بدین منظور، بر آن شدیم تا روش تدریس شهید مطهری (قدس سره) را به نظاره نشینیم و در این زمینه، نکته هایی را گردآوری کنیم و از ویژگی های «علمی» و «اخلاقی» آن استاد شهید، در هنگام تدریس، مستفیض شویم. امید است که به خواست خدای سبحان و عنایات امام زمان (علیه السلام) و توجهات کوثر قرآن (علیها السلام)، این نکته ها مقبولتان افتد و در تدریس و کلاسداری به کارتان آید.

شایان توجه است که تمامی این نکته ها از کتاب «جلوه های معلمی استاد مطهری» بر گرفته شده، و دسته بندی و عنوان گذاری شده و برای بعضی از نکته ها اشعاری متناسب با آن ها انتخاب گردیده است.

1- تشریح مطالب

در یکی از جلسات درس علامه طباطبایی (ره)، پس از این که روی آیه ای از قرآن بحث شده بود، سؤالی مطرح شد که خود مرحوم علامه به آن سؤال، جواب دادند. بعد از این که حدود پنج دقیقه، مرحوم علامه مطلب را تقریر و تبیین فرمودند، استاد مطهری (ره) همراه با تواضع، حدود یک ربع، با بیان جدیدتری، همان مطلب را تشریح کردند. آن قدر جالب صحبت می کردند که همه سراپاگوش بودند. خود مرحوم علامه طباطبایی (ره) شدیداً به حالت وجد و شوق درآمده بودند. این بود که علامه پس از شهادت استاد مطهری (ره) فرمودند: «با بودن مطهری در درس، می دانستم چیزی هدر نمی رود و اگر تعبیر بدی نباشد، من به

حالت رقص درمی آمدم». در همان جلسه، این حالت شادی و شغف زیاد در مرحوم علامه دیده می شد.

2- تسلط بر موضوع درس

به همین دلیل هیچ گاه در برابر هیچ پرسشی، دچار لکنت زبان نمی شدند.

3- جذب با مطالب

یکی از مهمترین تفاوت ها میان استاد مطهری و دیگران، این بود که استاد با «مطلب» جذب می کرد و دیگران با بیان. البته بیان مهم است، اما اگر فقط بیان باشد، زود می گذرد.

4- پیش مطالعه

ایشان پیش از حضور در کلاس مقید بودند که به سبک همه اساتید حوزه، در حدی که فرصت اجازه می داد، از

پیش، مطالعه کنند و مطالب را در ذهن خود مرتب سازند.

5- نو بودن مطالب

درس ایشان همیشه نو بود. استاد مطهری (ره) سعی می کردند مطالعه را قطع نکنند. اگر درسی را می خواستند مطرح کنند، به کتاب جدیدی که برخورد می کردند، (آن را) مطالعه می کردند. ایشان به مجلات مختلف رجوع می کردند، مخصوصاً به اندیشه های معاصرین بسیار توجه داشتند، و همین خصوصیت، درس ایشان را نو می ساخت.

6- فلسفه و فایده درس

درس و بحث ایشان غالباً و در اکثر قریب به اتفاق موارد، یک بحث جهت دار بود؛ یعنی شاگرد می فهمید که این بحث به چه درد می خورد.

7- تاریخچه آن علم

ایشان قبل از ورود به اصل درس، یک مقدمه تاریخ بیان می کردند. با احاطه ای که به اقوال گذشتگان داشتند، سیر تحول یک مفهوم را بیان می کردند و ریشه و سابقه مطلب را توضیح می دادند تا شاگرد تصور نکند که این بحث مانند قارچی از زمین بدون سابقه سبز شده، بلکه

بفهمد که در طول روزگار، این بحث چه سرنوشت و سرگذشتی داشته و از این طریق بتواند جای بحث را در تفکر امروزی مشخص کند.

8- توضیح مقدمات و نظم در مطالب

استاد در آغاز درس، مقدمات را به خوبی توضیح می دادند و مشخص می کردند که مطلب بر چه مقدماتی مبتنی است. این خصوصیت باعث می شد که هنگام تدریس، اشتباهاتی در ذهن شنونده پیش نیاید. استاد مطهری می کوشیدند چیزهایی را که موجب درهم آمیختگی فکری و اشتباه در مطلب می شود، نخست توضیح دهند تا هنگام درس، استدلال به درستی جای گیر شود.

9- توجه به شاگرد

یکی از شاگردان استاد می گوید: ایشان گاهی لطف می کردند به تنهایی، و گاهی همراه با خانواده به منزل ما تشریف می آوردند.

10- شکوفاسازی استعداد شاگرد

ایشان اگر استعدادی از شاگردان خود می دیدند، خوشحال می شدند، و به او کمک می کردند که استعداد وی پرورش پیدا بکند؛ مثل یک پرنده که بال زدن را یاد جوجه های خود می دهد. ایشان شاگردان خوش استعداد را تشویق و تشجیع می کردند، و مثل بزرگری که بذرافشانی می کند، برای آینده، در ذهن شاگردان خود بذرافشانی می کردند و با صرف وقت برای آینده سرمایه گذاری می کردند.

11- رابطه صمیمی با شاگرد

آقای مطهری با شاگردانشان به اندازه ای مهربان بودند که حتی اجازه می دادند که آن ها مسائل خصوصی و شخصی شان را با ایشان مطرح، و در انتخاب راه و مسیر آینده با ایشان مشورت کنند. ایشان به اندازه ای [به شاگردان خویش] نزدیک می شدند که در مجالسی مانند عروسی آن ها - در صورت دعوت - شرکت می کردند.

12- با وضو بودن

استاد، خود همواره با وضو در کلاس حضور می یافتند و حضورشان، چنان روحانیتی به مجلس می بخشید که مستمع با تمام وجود، معنویت و

قداست آن را درمی یافت و به نسبت آمادگی اش در جذبۀ های الهی آن مستغرق می گردید.

13- خوش رو بودن

ایشان بسیار خوش رو بودند، و با شاگردان روابط پدرانۀ داشتند، و در واقع وقتی ارتباط [یکی از] شاگرد[ان] با ایشان ادامۀ پیدا می کرد، به نوعی دوستی مبدل می شد.

به دست آوردن دنیا هنر نیست	یکی را گر توانی دل به دست آر
----------------------------	------------------------------

14- سادگی

یکی از شاگردان استاد مطهری(ره) می گوید: به یاد دارم که در درس فلسفۀ (متن شفای بوعلی) که در آغاز، در مدرسۀ مروی برگزار می گردید، گاه در یک حجره و گاه در حجره دیگر، هر جا که ممکن بود، تدریس می کردند. و یک بار که صاحبان این حجره ها غایب بودند و حجره ای برای تدریس باز نبود، ایشان به سادگی و بدون از دست دادن فرصت، در ایوان کوچکی جلوی یکی از حجره های بسته، روی زمین نشستند و برای حاضرین درس را بیان داشتند و علاوه بر درس فلسفۀ، درس اخلاق نیز آموختند.

15- بخل نورزیدن

یکی از شاگردان استاد می گوید: استاد یادداشت ها و نوشته های خودشان را به شاگردان می دادند که در تحقیق از آن ها استفاده بکنند. به یاد دارم که وقتی خدمتشان می گفتم که در مسائل مربوط به انسان علاقۀ به مطالعۀ دارم و طرحی را از این مبحث که در ذهن داشتم، خدمتشان عرض کردم، ایشان یک مجموعه ای از رسالۀ های خطی چاپ نشده علامۀ طباطبایی را که در اختیار داشتند، به بنده دادند تا استفاده کنم.

16- طرز فکر صحیح

از مهمترین خصوصیات ایشان، حساسیت فوق العادۀ نسبت به ارائۀ صحیح اندیشۀ اسلامی به جامعۀ بود.

17- شناخت حد و مرز درس

ایشان در تدریس، از موضوع خارج نمی شدند، از خط بحث بیرون نمی رفتند و حد و مرز موضوعات و مسائل را خوب می شناختند. یک مطلب را می گرفتند و همان را در یک خط مستقیم دنبال می کردند.

18- مدیریت علمی

ایشان بر معلومات خودشان مدیریت داشتند. این طور نبود که حافظه، مزاحم کار ایشان شود و مطلب غیر لازم وارد بحث شود. درس ایشان جُنْگ مانند و کشکول مانند نبود.

19- استقبال از سؤال

استاد واقعی که می دید سؤال کننده هدفش از اشکال، به غیر از جنبه های علمی و به دست آوردن مطلب است، و یا خیلی پرت سخن می گوید، و یا اشکال خارج از بحث است و اشکال کننده هم دست بردار نیست، در این موارد، ابتدا با لحن آرام و عباراتی همچون «حالا ببینیم»، و سپس با لحن محکمتری چون «این مربوط نیست» و «نخیر آقا» و... بحث را به دست می گرفتند. ولی روحیه کلی ایشان استقبال از سؤال بود.

20- اصلاح اشتباه

یکی از شاگردان استاد می گوید: مرحوم استاد مطهری از آن جایی که خداوند هوش فوق العاده ای به ایشان عطا کرده بود و از جنبه علمی، بسیار قوی بودند، کمتر می شد در هنگام تدریس اشتباه کنند. اما اگر اتفاق می افتاد که در نکته ای اشتباه کنند و فی المثل یکی از شاگردان، اشتباه را یادآور می شد، می پذیرفتند. هیچ گاه سراغ ندارم که ایشان پافشاری در اشتباه خود کنند و مطلب را به زور تحمیل نمایند. اصولاً ایشان در مقابل حق خاضع بودند و آن چه را حق می یافتند، می پذیرفتند.

21- دقت و ژرف نگری

مرحوم مطهری علاوه بر وسعت معلومات، سخت موشکاف و نکته سنج و تحلیل گر بودند. آن چه را بسیاری از همگان به سادگی از سر آن می گذشتند و نکته ای در آن نمی یافتند، استاد با دقتی حیرت انگیز،

[آن را] مورد کنکاش قرار می دادند و تناقضات درونی و نقاط ضعف آن را آشکار می ساختند.

سخندان پرورده، پیر کهن	بیندیشد آن گه بگوید سخن
مزن بی تأمل به گفتار دم	نکو گوی اگر دیر گویی چه غم
بیندیش و آن گه برآور نفس	وز آن پیش بس کن که گویند بس
به نطق آدمی بهتر است از دواب	دواب از تو به، گر نگویی صواب

22- بیان ساده

شهید مطهری این خصوصیت را داشت که مطالب سنگین و بالا را می توانست به حدی تنزل دهد که به اندازه فهم شنونده باشد.

23- مصلحت فدای حقیقت

در نگاشتن کتاب با ارزش «مسأله حجاب»، با توجه به این که اکثر علما و فقها، صورت و دست ها تا مچ را مستثنا می دانستند، ولی ارائه آن را به مصلحت نمی دانستند، ایشان با توجه به این که این برهان را برای عدم ارائه نظریه واقعی، صحیح نمی دانستند، مطلب را با آزادی ارائه کردند و عده زیادی اطلاع دارند که در آن زمان چه مخالفت هایی در این زمینه انجام شد، ولی مرحوم مطهری در ارائه نظریه صحیح اسلامی، ملاحظات دیگر را به هیچ وجه مد نظر قرار نمی دادند.

24- آزادگی علمی

یکی از دوستان شهید مطهری(ره) می گوید: آن چه در تمام برخوردهای شهید مطهری کاملاً محسوس بود، چه در جلسات عمومی و چه در جلسه های خصوصی، حریت و آزادی شهید مطهری بود. او دارای دلی بود آزاد و دارای مغزی بود آزاد، و قهراً دارای زبان و قلمی آزاد بود.

25- انصاف داشتن

بارزترین خصیصه ایشان داشتن روحیه انصاف بود. این ویژگی سبب شده بود که اولاً استاد بر روی حرف مخالفین نظر خود - هر که می خواهد باشد و در هر مقامی که باشد - کاملاً بیندیشند. یعنی هیچ گاه با روحیه استکباری و بزرگ منشانه با آراء و عقاید حتی مخالف ترین

دشمنان خود نیز برخورد نمی کردند. همیشه هر سخن و گفته ای را تا حد امکان تجزیه و تحلیل می کردند و شقوق درست و قابل قبول آن را از احتمالات نادرست جدا کرده، به حساب هر یک جداگانه رسیدگی می کردند.

26- بردباری

یکی از شاگردان استاد می گوید: یک روز بعد از این که ایشان مطلبی را بیان فرمودند. من اشکال کردم، هر قدر ایشان بیان کردند و توضیح دادند، برایم قابل قبول نبود. سرانجام قدری بی ادبی و گستاخی کردم و گفتم: انصاف بدهید! ایشان فرمودند: من انصافم از شما بیشتر است.

27- پرهیز از مرید پروری

مرید پروری در وجود ایشان جایی نداشت.

مادر بٔت ها بت زفس شماست	زان که آن بت مار و این بت ازدهاست
-----------------------------	--------------------------------------

28- عصبانی نشدن

یکی از شاگردان استاد مطهری(ره) می گوید: در مدت دوازده سالی که خدمتشان شاگردی می کردم، یک دفعه هم ندیدم که در درس با عصبانیت جواب کسی را بدهند.

درشتی نگیرد خردمند پیش	نه سستی که نازل کند قدر خویش
------------------------	------------------------------

29- رابطه معنوی

یکی از شاگردان استاد می گوید: سلوک ایشان به نحوی بود که در دل شاگردانشان نسبت به ایشان محبت ایجاد می شد. ما در همان وقت که در درس ایشان حاضر می شدیم، در درس های استادان دیگر دانشگاه هم شرکت می کردیم، و به خوبی محسوس بود رابطه ای که شاگردان استاد مطهری با ایشان دارند، با رابطه ای که دانشجویان دانشگاه با استادان خود دارند، متفاوت است. چه این رابطه رسمی و اداری نبود، بلکه توأم با عشق و شوق بود.

جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای
را

درس معلم ار بود زمزمه
محبتی

30- احترام به استاد

ایشان در ضمن درس، به استادان خودشان بسیار احترام می گذاشتند. به نام علامه طباطبایی (ره) که می رسیدند، از ایشان با «روحی له الفداء» یاد می کردند.